

مطالعه بایسته‌های راهبردی وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای

مطالعه بایسته‌های راهبردی وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای

محمد جواد فتحي

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چکیده

در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، تفرقه بین مذاهب و ملل اسلامی، از مسائل پیچیده و بنیان‌کن جوامع اسلامی بوده است که خسارت‌ها و لطمه‌های مادی و معنوی جبران ناپذیری بر پیکر امت واحده اسلامی وارد ساخته است، این زخم خونین در چهره زیبای امت اسلامی از دید مصلحان امت اسلامی پنهان نمانده و نگرانی آنان را برانگیخته است. از این رو در مقاطع تاریخی مصلحان بسیاری در صدد ایجاد وحدت بین مسلمین بوده تا التیام بخش درد مهلک امت اسلامی باشند، هر یک از آنان اهداف ویژه‌ای را نیز دنبال نموده‌اند

با نگاهی اجمالی بر جملگی احکام و مسائل مترتب بر اسلام، آنچه‌ای که بیش از پیش بدیهی می‌نمایند این است که وحدت مسلمانان و عدم تفرقه میان آنها به کرات فصل الخطاب بانیان امر قرار گرفته و ائمه اطهار(ع) بارها آن را گوشزد نموده‌اند. بدون شک مسئله وحدت اسلامی که در طول تاریخ هجری پس از اسلام تا کنون همواره مورد توجه و عنایت بزرگان دنیای اسلام از پیامبر اکرم(ص) تا اهل بیت عصمت و طهارت و فقهای امامی و سنی بوده است. قدر مسلم اینکه امروزه دنیای غرب و مخالفین اسلام که به دلیل عقیم ماندن تئوریهای اجتماعی و فرهنگی‌شان در مهار قدرت فزاینده اسلام ناب محمدی(ص) به بن بست مدیریتی رسیده و در مرداب بحران هویت دست و پا می‌زنند علیه شجره طیبه وحدت اسلامی قد علم می‌کنند و در صدد آنند تا با پاشیدن بذر نفاق و تفرقه افکنی و ایجاد شکاف پایدار اعتقادی بین شیعه و سنی، مانع ره آوردی‌های وحدت امت اسلامی بشوند. چنانچه این مهم یعنی وحدت، همدلی و هم‌آوایی نسبی در جهان اسلام صورت پذیرد می‌توان چشم امید به آینده بهتر و شکوفاتر برای مسلمانان سرتاسر عالم بست و به تبع آن کفار و دشمنان قسم خورده مسلمانان در پوستین شیطان به هیچ وجه توان وارد آوردن آسیب به ساحت مقدس اسلام روحانی را نخواهند داشت و در مقابل آن سر تسلیم فرو خواهند آورد. منتها برای این کار باید راهبرد داشت و خط مشی‌ها را تعریف نموده و بدون برنامه و به صورت نامنظم عمل نکرد. چه بسا هدفی مقدس و مشروع به برنامه‌ای حسب نشده و نامنجم تبعات منفی غیرقابل جبرانی برای دنیای اسلام در پی داشته باشد. در این راستا خط مشی‌های فرموده از جانب مقام رهبری می‌تواند به عنوان چراغ راهی عمل نماید و با استنتاج و پیاده نمودن اصول و راهکارهای پیشنهادی توسط وی البته در صحنه عمل، نتایج بهتر و آینده‌ای روشن‌تر برای دنیای اسلام ترسیم نمود و از وخیم‌تر شدن اوضاع مسلمانان در سراسر جهان ممانعت به عمل آورد. از این رو در این مقاله در صدد بررسی اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران در باب وحدت در جهان اسلام و راهبرد‌های ارائه شده توسط ایشان می‌باشیم. ابتدا به ساکن به واکاوی مسئله وحدت و تعریف آن خواهیم پرداخت و در وهله بعد با مراجعه به سخنان رسا، شیوا و گهر بار مقام رهبری سخنان ایشان مورد تحلیل و مدقه قرار خواهد گرفت.

مفهوم وحدت

در باب وحدت و معنی این کلمه سخن بسیار رانده شده و تعاریف مختلفی در خصوص آن توسط فضلا و علما

ارائه گردیده است. اما دال مرکزی تمامی تعاریف در خصوص معنی وحدت را می توان در اتحاد، یکپارچگی، همبستگی، یگانگی و عدم گسیخت دانست به نظر می رسد، وحدت که در ادبیات سیاسی با واژه unity آمده است، از دو ویژگی و مختصه اساسی برخوردار است:

الف) یگانگی درونی

ب) پیوستگی بیرونی.

یگانگی درونی در این معنا به یک نقطه تشابه اشاره دارد که موجب ایجاد بنیاد عمیقی برای پیوستگی های عینی است. در لسان قرآن کریم آنگاه که گفته می شود: «واعتموا بحبل الی جمیعاً و لا تفرقوا»، به واقع و در ادبیات مورد نظر ما به همین نکته اشاره دارد که می تواند پایه مستحکم وحدت باشد و اتحاد بدون آن بدون منزلگه و جایگاه است. پیوستگی بیرونی در این منظر متوجه خط تداوم آن یگانگی درونی در عرصه حیات جمعی برای رسیدن به هدف یا اهداف تعریف شده فردی و اجتماعی و ملی پذیرفته شده است. از همین رو یک ملت با حصول به یگانگی درونی و تسری آن به لایه های بیرونی در قالب پیوستگی های اجتماعی و بسط آن در تمامی ساحت ها و عرصه ها و حوزه ها و وجوه جامعه ملی می تواند به اتحاد ملی دست یابد. باید میان وحدت و اتحاد تمایز قائل شد و در عین همنشینی و ارتباط میان آنها، اتحاد را محصول عینی و عملی وحدت در معنای فوق دانست. اتحاد که معادل فارسی alliance است از معنای تعریف شده ای برخوردار می باشد که با اندکی بازآفرینی مفهوم فوق را می رساند. این مفهوم نیز از دو خصلت و ویژگی اساسی بهره برده است. اتحاد به عنوان انعکاس بیرونی و عملی وحدت از دو مختصه: وحدت درونی و توافق رسمی برخوردار است. در اینجا است که وجوه دوگانه وحدت یعنی یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی توافق معنی داری را بین اجزاء مورد نظر ایجاد می کند که نوعی پیوند معنوی (درونی) را در لایه لایه های حیات اجزاء تسری می بخشد و انعکاس بیرونی آن را در توافقات رسمی برای ایجاد اتحادها و ائتلاف ها به نمایش می گذارد. اگر ملت به جمعیت تعریف شده در داخل مرزهای ترسیم شده رسمی اشاره می کند که در فرهنگ، مذهب، زبان و قومیت مشترکی که تداوم تاریخی قدرتمند دارند سهم هستند، وحدت ملی اشاره به یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی آنها بر حول این مشترکات تاریخی قدرتمند دارند که به دنبال اتحاد در عرصه حیات اجتماعی سیاسی خود برای افزایش قدرت در راستای حصول به اهداف تعریف شده ملی می باشند.

وحدت در قرآن کریم

با تأمل در متن مقدس قرآن متوجه می شویم که آیات مختلفی در سراسر این کتاب مقدس به چشم می خورد که درون مایه تمامی آنها چیزی جزء امر به عدم تفرقه و گسیخت فکری، و به بیانی سفارش به چنگ زدن همه مسلمانان به یک ریسمان محکم، نمی باشد. جوش و خروش مسلمانان نیز تنها زمانی به چشم خواهد آمد، که مسلمانان به دستورات دین مبین اسلام توجه نمایند و آیات ذیل را توشه راه خود قرار دهند. در ذیل برخی از آیات قرآن در خصوص وحدت و اتحاد مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

اولین مسئله ای که بیش از پیش به چشم می خورد این آیه گهر بار است که می فرماید: آیات «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/103). همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و پراکنده نشوید. حال منظور از «حَبْلِ اللَّهِ» یعنی ریسمان خدا در آیه چیست؟ امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعِظْ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ وَإِلَّا زَهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمُتَمْتِنُ» (نهج البلاغه، خطبه 176) یعنی قرآن «حَبْلُ اللَّهِ» است. رهبر الهی «حَبْلُ اللَّهِ» است. زیرا وقتی راه زیاد شود مردم متفرق می شوند ولی اگر راه یکی باشد مردم متفرق نخواهند شد. لذا قرآن می فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (انعام/153) یعنی راه ها که زیاد شد، جمعیت ها هم متفرق می شوند. یعنی تا وقتی رهبر یکی باشد، همه در یک راه هستند ولی وقتی راه ها زیاد شد، مردم هم متفرق می شوند و چند دستگی به وجود می آورد. یعنی عامل تفرقه راه ها و خطوط متعدد است و اگر از ابتدا راه ها یکی باشد مشکلی به وجود نمی آید. «حَبْلُ اللَّهِ» قرآن و رهبر الهی و ایمان است. قرآن می گوید: تفرقه همیشه توسط ابرقدرت ها است. تفرقه به وجود می آورد تا بتوانند مردم را به استضعاف بکشانند. درباره ای فرعون می فرماید: «وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ» (ص/4) یعنی فرعون اهل شهر را گروه گروه قرار داد. (شیعه به معنای گروه گروه است) بعد که گروه گروه شدند آن ها را به استضعاف کشید. علت وجود مستضعف در جامعه تفرقه است، زیرا بر اساس تفرقه و متفرق شدن ضعیف، نفوذپذیر می شوند. مثل قصه ای پدری است که وقتی یک چوب را به فرزندش داد، فرزند توانست آن را بشکند ولی وقتی یک دسته چوب را به او داد نتوانست بشکند. بعد به آن ها گفت: اگر تنها باشید شکست پذیر هستید ولی اگر با هم باشید، هرگز نخواهید شکست.

خدا می فرماید: من سه نوع عذاب دارم:

1- آسمانی (از بالای سر) 2- زمینی (از زیر پاهایتان) 3- تفرقه است.

یعنی خداوند تفرقه را در کنار عذاب آسمانی و زمینی آورده است و این خیلی مهم است. آنچه باعث

تفرقه و عامل آن باشد در اسلام حرام است. من و شما با هم دوست هستیم ولي کسی مي‌آید و غیبت شما را به من یا بر عکس مي‌کند و به این ترتیب بین من و شما تفرقه مي‌اندازد. غیبت و تجسس حرام است چون وقتی تجسس کردیم و عیب یکدیگر را دانستیم علاقه‌مان به همدیگر کمتر مي‌شود و گناه است.

خدا منافقین را لعنت کند که باعث شدند افرادی که جان‌شان در خطر است از درب دیگری بیایند یا با ماشین خصوصی بیایند و گرنه همانطور که قرآن مي‌گوید: «وَمَشِيءٌ فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان/7) پیامبر و همه‌ی مردم یکسان مي‌آمدند و مي‌رفتند.

وحدت از منظر مقام معظم رهبري

مقام معظم رهبري به موضوع وحدت چنان اهميتي مي‌دهند که آن را به عنوان مسأله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفي نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سياسي و آحاد امت اسلامي را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده‌اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبري به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است اتحاد و انسجام اسلامي در دیدگاه مقام معظم رهبري بسیار اهميت دارد. ایشان از نخستین روزهای مسوولیت مهم رهبري، این مسأله را در مناسبت‌های متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرهای احتمالی موجود در این مسأله یاد کرده‌اند. ایشان مسأله وحدت را دارای پیچیدگی خاص خود مي‌دانند و آن را در صورتي حائز اهميت مي‌دانند که اولاً به از بین رفتن اختلافات منجر شود و ثانياً حاکمیت اسلامي را به همراه داشته باشد. در مسأله وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسي وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حائز اهميت هستند. وقتی ما شعار وحدت مي‌دهیم، این دو نکته اساسي باید مورد توجه ما باشد و همینها است که برای زندگی عملي مسلمانان، کارساز است؛ یکی از این دو نکته، عبارت است از رفع اختلافات و تناقض‌ها، درگیری‌ها، تضادها و کارشکنی‌ها که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمانان وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمانان تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمان و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارض‌ها و تناقض‌ها، به دستگاه‌های قدرت مادی بر مي‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهیم دید که از اختلافات اولیه – يعني مسأله خلق قرآن و امثال آن – تا بقیه اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرق اسلامي – مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی – اتفاق افتاده است، تقریباً، سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامي، دست قدرتها است. وحدتي که ما اعلام مي‌داریم و شعار مي‌دهیم و به آن دل بسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار مي‌کنیم، نخستین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها، تناقضها، اختلافها و درگیریها باشد، که خدای متعال به این راضي است و مؤمنان و مخلصان، اولیاء و عقلا، از آن خشنودند (موحدي، 1387ش، ص142).

قام معظم رهبري با حساسيت و دقت انسجام و اتحاد اسلامي را مورد بررسي قرار داده و نه تنها با گفتار و بيانات خود در اين زمينه گام برداشته‌اند بلکه در حيطه عمل با تأسيس مجمع تقريب مذاهب اسلامي، حمايت بي‌دريغ از کنفرانس وحدت اسلامي و نامگذاري سال 1386ش به نام سال « اتحاد ملي و انسجام اسلامي»، اين ضرورت و اهميت را اثبات نمودند.

از ديدگاه مقام معظم رهبري ترقي و تعالي دنياي اسلام جز با انسجام اسلامي امکان پذير نمي‌باشد: «در دايره‌اي وسيع، رمز پيروي امت اسلامي وحدت کلمه است. اگر امت اسلامي مي‌خواهد در ميدانهاي علم، ترقي، پيشرفت مادي، تسلط بر سرنوشت خویش، رهايي از سلطه بيگانگان و سعادت دروني و بيروني پيشرفت کند، راهش با کلمه توحيد و توحيد کلمه است. مراکز قدرت استکباري که از هر عاملي براي تحکيم قدرت خود بر دنيا، استفاده مي‌کنند، تلاش کرده‌اند در دنياي اسلام از هر وسيله‌اي براي تجزيه، تفرقه و اختلاف استفاده کنند، که متأسفانه تا حدود زيادي هم موفق شده‌اند. اگر امروز ملت فلسطين دچار چنين سرنوشت تلخي شده است؛ اگر امروز پيکر ملت فلسطين خون‌آلود است و مصيبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهاي دردمند نفوذ کرده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است. اگر وحدت کلمه بود، اين وضعيت به وجود نمي‌آمد. اگر عراق اسلامي زير چکمه اشغال گران درآمده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است؛ اگر امروز کشورهاي خاورميانه با فريادهاي مستانه و مغرورانه آمريکا مستقيماً تهديد مي‌شوند، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است و اگر مسلمانان مي‌خواهند از اين خفت نجات پيدا کنند و اگر مي‌خواهند فلسطين را نجات دهند و اگر مي‌خواهند در افغانستان، عراق و ساير بلاد اسلامي، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زير فشار قرار دهد، راهش در وحدت کلمه و وحدت ملتها، دولتها و وحدت شعارهاست» (بيانات رهبري در ديدار کارگزاران نظام به مناسبت عيد سعيد فطر، 21/11/1375).

وحدت به قول رهبر معظم انقلاب يعني: نبودن تفرقه، نفاق، درگيري و کشمکش. حتي دو جماعتي که از لحاظ اعتقاد ديني مثل هم نباشند مي‌توانند در کنار هم باشند و مي‌توانند دعوا نکنند. مقام معظم رهبري، مباني فلسفي وحدت را اينگونه بيان فرموده است: «بناي توحيد که مباني فکري و اعتقادي و اجتماعي و عملي ماست در وحدت است. در جامعه‌اي که بر مباني شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بيگانه از يکديگر است. در جامعه توحيد، که وقتي مبدأ و صاحب هستي و سلطان عالم وجود و حي و قيوم و قاهري که همه حرکات و پديده‌هاي عالم، مرهون اراده و قدرت او مي‌باشد، يکي است، انسان ها با يکديگر خويشاوندند؛ چون به آن خدا وصل‌اند، به يک جا متصل‌اند و از يک جا مدد و کمک مي‌گيرند. ولايت هم معنايش همين است. ولايت، يعني پيوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غيرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامي که داراي ولايت است؛ يعني همه اجزاي آن به يکديگر و به آن محور و مرکز اين

جامعه، یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند» (طییبی، خواه، 1386ش، ص 49). ایشان همچنین وحدت اسلامی را «گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روشهای گوناگون بر گرد محور اسلام» (بیانات رهبری در چهلمین روز ارتحال امام خمینی، 23/4/1368)، معرفی می‌کنند که همان اعتصام به جبل‌ا است که عموم مسلمانان بدان مکلف گشته‌اند.

از نظر مقام معظم رهبری یکی از آسیب‌های جدی جوامع اسلامی در شرایط فعلی، اختلافهای مذهبی است. ایشان در این باره می‌فرماید: «حقا وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسفانگیز است. بسیاری از توانایی‌های علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است... تا آن جایی که من یادم می‌آید، درگیریها و تعارضات و جنگهای مذهبی بین مسلمانان، به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی عباس تا زمانهای بعد، همواره دست‌هایی، طرفداران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دست‌ها نبود، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و هیچ مشکلی نداشتند. در زمان حاضر، برای این که مسلمانان با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمانان به وحدت، بیش از همیشه است.» (نجفی، 1390ش، ص 14).

مؤلفه‌های وحدت و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه رهبری
برخی از مؤلفه‌های اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:
1. مبارزه با خوی خودخواهی و دنیاطلبی مسلمانان؛ 2. تسلیم نشدن در برابر نظم باطل جهانی؛ 3. استفاده از موقعیت جغرافیایی جهان اسلام؛ 4. مواظبت در برابر خطر قومیت، مذهب و طایفه‌گرایی؛ 5. درک اهداف دشمن از جنگ شیعه و سنی؛ 6. مبارزه با توطئه عمال تفرقه‌انگیز دشمنان در دنیای اسلام؛ 7. تصحیح استدلال غلط کشورهای مسلمان درباره منافع ملی خود؛ 8. عبرت‌ملتهای مسلمانان از ایران؛ 9. تضعیف و مبارزه با ناسیونالیسم افراطی در کشورهای مسلمانان؛ 10. ایجاد اتحاد در مقابله با صهیونیسم؛ 11. رفع سوءظن بین دولتها و ملتهای اسلامی؛ 12. شناخت شخصیت پیامبر اعظم (ص) به عنوان محور انسجام اسلامی؛ 13. اتحاد رؤسای کشورهای اسلامی؛ 14. رفع دعوای رسانه‌ای و مطبوعاتی علیه مذاهب اسلامی. در این نوشتار تنها به شرح یکی از موارد فوق اکتفا می‌نمایم.

وحدت کلمه بین مسلمین

منظور از وحدت کلمه از منظر مقام معظم رهبری آن است که همگان تحت یک کلمه توحید جمع شوند، زیرا

می فرمایند: «پیغمبر اسلام می خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می خواست تمام ممالک دنیا را تحت یک کلمه توحید. فرار بدهد.» (خمینی، 1367: 120). بنابراین می توان وحدت کلمه بین مسلمین را این گونه تعریف نمود: ایجاد نوعی یگانگی و همگونی بین منافع و اهداف کسانی که دارای خدایی واحد، پیامبری به نام محمد - صلی الله علیه و آله - و کتابی بنام قرآن کریم هستند و هدف آنها سعادت بشری و رسیدن به قرب الهی است.

بنا به عقیده رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران از مهمترین عوامل اختلاف و تفرقه کشورهای اسلامی می توان به این امر اشاره نمود: 1- دوری از اسلام اصیل و قرآن کریم: یکی از علل از بین رفتن مجد و عظمت مسلمین و به وجود آمدن تفرقه و مشکلات گوناگون میان آنها، دوری از اسلام و فرامین قرآن است. 2- ملی گرایی: یکی دیگر از عوامل عدم توجه به کشورهای اسلامی، بحث ملی گرایی است که این بحث سرانجام به تفرقه و تشتت می انجامد. پیامبر بزرگوار اسلام مردم عرب، فارس، روم و... را از ملی گرایی به اسلام گرایی، و از اسلام به ایمان و از ایمان به تقوی و مهاجر فی سبیل الله ارتقاء دادند و در نتیجه همه مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. در حالیکه امروزه استعمار غرب می کوشد تا مسلمانان را به ملی گرایی سوق دهد و البته در این راه موفقیت هایی را نیز بدست آورده است به همین علت است که ما شاهد وحدت کلمه قوی بین کشورهای اسلامی نیستیم.

3- فرقه گرایی: فرقه گرایی نیز نقش مؤثری در ایجاد اختلاف بین مسلمین دارد. اینکه در اسلام فرقه های متعددی وجود دارند یک امر طبیعی است. این امر در طول تاریخ اسلام باعث شده تا راه هر نوع مفاهیم و گفتگو بین گروه های مختلف بسته شود. فرقه متعددی اسلامی در حال حاضر هیچ اطلاعات درست و دقیقی از وضعیت و اعتقادات هم ندارند و حتی برای محکوم کردن همدیگر، برخی از نکات را گرفته و جداگانه مورد بحث قرار داده و بر علیه هم بکار می برند و از این طریق سعی در اثبات حقانیت خود دارند. 4. تفرقه انگیزی قدرتهای سلطه گر: یکی دیگر از عوامل اختلاف و همین طور جدایی بین کشورهای اسلامی، ایجاد و القای تفرقه از سوی قدرتهای سلطه گر است این توطئه بارها از سوی آنان عملی شده است

5- فراموشی ارزشهای اصیل اسلامی: بسیاری از مسلمانان با ارزشهای اصیل اسلامی فاصله بسیار گرفته اند و حاکمان آنها نیز از آنها در این زمینه پیشی گرفته اند که این خود عامل بسیاری از تفرقه ها و جدایی ها است. وحدت اگر بخواهد براساس ارزشهای اسلامی تحقق یابد رکن مؤثر آن ایمان راسخ به این ارزشها است که متأسفانه امروزه در میان مسلمانان کمرنگ شده است.

6- دنیا گرایی: بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی به شدت اسیر تمتعات و تمنیات دنیوی شده اند و آنقدر درگیر دنیای خود شده اند که فرصت اندیشیدن به آرمان های دینی از آنها سلب شده است. همینکه دنیای

خود را تأمین کنند برای آنها کمال موفقیت است و توان پرداختن به مقولات ارزشی و آرمانی ندارند . 7- وابستگی به دولت ها و قدرتهای استکباری: یکی دیگر از موانع وحدت دنیای اسلام را باید در وابستگی حاکمان آن به ابرقدرتها دانست. هنگامی که دولتها از خود اراده ای نداشته باشند و ریز و کلان تصمیمات حکومتی را از خارج به آنها دیکته کنند، انتظار تصمیمات عاقلانه و حکیمانه از آنان انتظاری بیهوده است.

وحدت شیعه و سنی

معنای صحیح وحدت شیعه و اهل سنت این است که با توجه به این که بین دو مذهب مشترکات بسیاری است، دو گروه باید بر محور این مشترکات به هم نزدیک شوند؛ برای حفظ و تعالی اسلام با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند؛ چرا که هر دو دشمن واحدی دارند. دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوء استفاده آنان از اختلافات باید در مقابل آنها بر وجوه اشتراک خود تکیه کنند، تا بتوانند بر دشمنان اسلام که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کنند. شیعه و سنی، قرن‌های طولانی است که در مسائل گوناگون اختلاف نظر دارند و این امر، گاه از سوی فتنه انگیزان مایه گسست‌ها، بلکه نزاع‌های فراوان در تاریخ شده است، و بی‌گمان، یکی از علل ضعف مسلمانان در حال حاضر در برابر هجوم استعمار غرب، همین امر بوده است. شیعه و سنی هر دو مسلمان و در اعتقادات، احکام، اخلاق و ... دارای مشترکات زیادی هستند، البته اختلاف‌هایی هم دارند که انکارشدنی نیست، اما این اختلاف‌ها نباید منجر به خصومت و دشمنی شود و به اساس اتحاد و برادری اسلامی ضربه وارد سازد. علامه شرف الدین می‌گوید: "سیاست سبب جدایی شیعه و سنی شد، همو نیز باید سبب اتحاد شیعه و سنی شود(شرف الدین، بی تا: 8). منظور این است که سیاست استعماری و دسیسه‌های بی‌گانگان فرق اسلامی و از جمله شیعه و سنی را از هم جدا کرده است، باید سیاست اسلامی به منظور مقابله با دشمن مشترک نیز آنها را به هم پیوند دهد.

شاید قدیمی‌ترین و مهم‌ترین حربه تفرقه افکنان در طول تاریخ اسلام، ایجاد جنگ بین مذاهب اسلامی و نفرت آنها از یکدیگر باشد. این کار تا آنجا اهمیت یافته است که بودجه‌های کلان برای انتشار مطالب تفرقه‌انگیز بر علیه هر دو دسته اختصاص می‌دهند و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نمی‌کنند. مقام معظم رهبری نسبت به این مانع نیز هشدارهای جدی و محکمی بیان فرموده‌اند و درک اهداف دشمن از وقوع این جنگ و تفرقه‌ها را مؤلفه‌ای مهم برای اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی می‌دانند: «امیرالمؤمنین را مایه اختلاف بین شیعه و سنی و فرقه‌های اسلامی قرار ندهید. امیرالمؤمنین نقطه وحدت است، نه نقطه افتراق. برادران و خواهران ما در سرتاسر کشور به این حرف

اطمینان کنند. اطلاعات ماها از حوادث خیلی زیاد است. من به عیان می بینم دستهای بسیار فعالی درکارند برای ایجاد اختلافات مذهبی؛ جنگ شیعه و سنی؛ نفرت مذاهب اسلام از یکدیگر. کتاب نوشته می شود علیه شیعه، کتاب نوشته می شود علیه سنی؛ وقتی دنبال می کنیم، می بینیم پول هر دو این کتابها از آن طرف مرزها و از یکجا آمده است. هر مذهبی عقاید و استدلال خود را دارد. در پشت میز استدلال و مباحثه، هرکس توانست غالب بشود، غالب بشود؛ اما فضای جامعه را نباید فضای جنگ، دعوا و منافرت قرار داد. امیرالمؤمنین محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع اند؛ شیعه و سنی ندارد. در طول تاریخ اسلام، هم در دوران اموی و هم دوران عباسی گروه های دشمن امیرالمؤمنین بودند؛ اما عامه دنیای اسلام - چه سنی مذهب، چه شیعه مذهب - امیرالمؤمنین را تجلیل می کنند. شما ببینید ائمه فقهی اهل سنت درباره امیرالمؤمنین شعر مدح دارند. اشعار معروفی که گفته می شود، مال شافعی است. امام شافعی درباره امیرالمؤمنین اشعار مدح آمیز دارد. نه فقط درباره امیرالمؤمنین، بلکه درباره همه یا اغلب ائمه اینها خاضع اند. برای ما شیعیان، مقام و موقعیت این بزرگوارها شفاف، روشن و واضح است؛ اما نتوانستند برای خودشان این مسائل را روشن کنند. در مقام بحث و مجادله علمی و بحث علمی این چیزها قابل روشن شدن است. منطق ما خیلی قوی است؛ اما عده ای امروز در عراق، در نقاط مختلف دنیای اسلام و به خصوص در ایران سعی شان این است که دعوا بیندازند. ما می بینیم که قضیه از کجاها دارد آب می خورد» (بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، 15/8/1383).

مقام معظم رهبری این ترفند دشمنان را به خوبی توصیف می فرمایند: «امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و آمریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می بینید دست پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرف های می زنند، چه سمپاشی های می کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می پراکنند. سال های متمادی است که دست استعمار و دست قدرت طلب قدرت های فزون خواه غربی دارند این کار را می کنند. در حج فرصت خوبی برای آنها است تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کنند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه دوران سال و در همه میداها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی آمریکا است. بعد از گذشت قرنهای رو به رو هم بنشینید - مثل کسانی که در جنگ با همدیگر رو به رو می شوند - با دل های پُر کینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ آنها برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند، در مراسم حج کسانی را اجیر می کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروانها باید با احساس مسولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می خواهد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال این که از حقیقت دفاع می کند، از نقشه دشمن دفاع کند

و براي دشمن كار كند. ديگران پول مي‌گيرند، مزدور مي‌شوند و اين كار را مي‌كنند؛ عده‌اي عوام سطحي متعصب را هم ممكن است عليه شما، عليه عقايدتان و عليه مقدساتتان تحريك كنند. اگر با عملي متقابل مواجه شوند، بلاشك به هدف خودشان رسیده‌اند، آنها همين را مي‌خواهند؛ مي‌خواهند ما را با هم گلاويز كنند تا خيال خودشان را راحت كنند» (بيانات رهبري در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج، 30/9/1383).

مقام معظم رهبري اين ترفند را چنين بيان مي‌كنند: «گاهي دشمن براي ايجاد اختلاف - هم در بين شيعه، هم در بين سني - از آدمهايي كه غرض و مرضي ندارند، استفاده مي‌كنند. در جامعه شيعه حرکتي انجام مي‌گيرد كه براي برادر مسلمان غير شيعه تحريك كننده و حساسيت برانگيز است. عين همين عمل، در بين جامعه سني انجام مي‌گيرد، نسبت به كاري كه براي شيعه حساسيت برانگيز و نفرت برانگيز است. چه كسي اين كارها را مي‌كند؟ امروز دشمن واحدي در مقابل ما است؛ علاوه بر اينكه كتاب واحد، سنت واحد، پيغمبر واحد، قبله واحد، كعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادي واحد در جامعه اسلامي است. البته اختلافاتي هم وجود دارد. اختلافات علمي ممكن است بين هردو نفر عالم باشد. علاوه بر اين ها، دشمن واحد در مقابل دنياي اسلام است. مسأله اتحاد بين مسلمانان يك امر جدي است. با اين مسأله، بايد اين طور برخورد شود. هر روزي كه اين قضيه دير شود، دنياي اسلام يك روز خسارت كرده و اين روزها، روزهايي است كه بعضي آن چنان حساس است كه در يك عمر اثر مي‌گذارد. نبايد بگذاريد دير شود» (بيانات رهبري در دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان خارجي شرکت کننده در کنفرانس بين‌المللي وحدت اسلامي، 24/5/1374).

راهكارهاي ايجاد وحدت:

الف. عملي

تمسك به اسلام؛ كفر به طاغوت؛

پافشاري در وحدت و مقاومت در برابر اشكال تراشي ها؛

حفظ روابط بين رهبري و مردم؛

ترویج روحیه اخوت؛

تحمل یکدیگر و احترام به عقاید دیگران؛

صمیمیت و محبت؛

طرح جدی موضع در فضای غیردوستانه و پذیرش اختلافات در غیر اصول و امور حاشیه ای.

ب- راهکارهای علمی

آگاهی مردم و روشن فکری؛

تلاش برای تقریب مذاهب و گفت و گوی بین فرق اسلامی و

هم اندیشی علمای فرق مختلف؛

منابع:

خمینی، سید روح الله (1367)، صحیفه نور، جلد سوم، تهران: انتشارات دفتر حفظ آثار امام خمینی (ره).